



طرح نو | شادی خوشکار | ادبیات خوب، دنیای بدون جنگ، آرزویی که به نظر می رسد بیشتر جایش در فیلم‌ها و قصه‌ها باشد تا زندگی واقعی. وقتی هر گوشه دنیا را نگاه می کنیم، دود آتش جنگ را می بینیم که به آسمان می رود و با خودش چیزهای زیادی را می برد. زندگی‌ها و رویاهای زیادی را. خانه‌ها و مدرسه‌های زیادی را. کتاب‌ها و بچه‌های زیادی را. آنها که تازه به این دنیا گذاشته‌اند و هنوز مفهوم سیاست و منفعت طلبی قدرت‌های بزرگ را نمی دانند و فقط می بینند که جلوی چشمانشان رویاها و دوستی‌های زیادی از بین می رود و دنیا با همه قصه‌هایی که تا به حال شنیده‌اند فرق دارد و شاید با خودش فکر کند که چرا دنیا مثل بازی‌هایشان و مثل قصه‌های شیرینی دوست دارند، نیست. شاید حتی دلشان بخواهد از میان آن همه مرگ و خشونت فرار کنند به جنگی سرسبز در داستانی کودکانه و نویسندگان دنیاهای صلح آمیز زیادی را برای کودکان ساخته‌اند که بتوانند دمی در آن طوری تربیت کنند که در بزرگسالی به جای جنگ و دعوا و خشونت راه دیگری را برای حل مشکلاتشان پیدا کنند. کاری که ادبیات به خوبی می تواند انجام دهد.

به من بگو جنگ چیست

حق آزادی و برابری همه انسان‌ها مطالعه این کتاب را شیرین کند و به بچه‌ها بگوید که همه آدم‌ها حق دارند زندگی کنند. هرگاه حسن‌زاده، نویسنده این رمان نیز به دیگران در شرایط سخت که می تواند نمادی از جنگ باشد، اشاره کرده و لذت زندگی بخشیدن به دیگران را به بچه‌ها شناسانده است. «چگونه می توان بال شکسته‌ای را درمان کرد» اثری است که با لطافت تمام از کمک یک کودک به پرندهای زخمی می گوید. این پرند زخمی به روشنی در این کتاب استعاره از همه انسان‌هایی است که زخمی دیده‌اند و رنجی دارند و رسالت کودک را کمک به آنها برای درمان درهایشان می داند.

نشان دادن زبشتی‌های یک پدیده برای تقبیح آن. شیوه‌ای که در بخش مهمی از ادبیات واقع‌گرایانه که به جنگ می پردازد به کار رفته و نتیجه‌گیری را به عهده مخاطب گذاشته است و نمونه‌هایی تالیفی و ترجمه‌ای بسیاری دارد. یکی از آثاری که با نشان دادن چهره منفی جنگ درصدد است که در سال‌های بعد در کتاب‌ها کمتر دیده می شود. این نگاه در «من صلح را دوست دارم» اثر نسیم خاکسار که در سال ۶۰ منتشر شده نیز وجود دارد. کودک قهرمان این کتاب کسی است که روی زمین می نویسد جنگ بد است، من صلح را دوست دارم و در جایی از داستان به ملخی که در نقش هواپیمادار دست دارد،

می گوید: «تو هیچ وقت جایی بمب نمی اندازی.» این نگاه دربارۀ جنگ در کتاب‌های تالیفی در طول سال‌های درگیری ایران و عراق کمتر دیده می شد اما در سال‌های بعد از جنگ دوباره رونق گرفت و درصدد بود تا زبشتی جنگ را به بچه‌ها نشان دهد و نگاهی صلح‌دوستانه و بشردوستانه در کتاب‌ها داشته باشد.

نویسنده‌ای چون فرهاد حسن‌زاده، احمد اکبرپور، محمدرضا بایرامی، جمشید خانیان و... کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان با این نگاه نوشتند. اما در بین کتاب‌های ترجمه‌اشری متفاوت که به‌تازگی ترجمه شده است با نام «همه آزاد آفریده شده‌ایم» در این گروه قرار می گیرد. این کتاب که به نوعی اعلامیه حقوق بشر برای کودکان است، ۳۰ اصل کنوانسیون حقوق بشر را با تصاویری جذاب برای کودکان نوشته و به تصویر کشیده است. در بیشتر این تصاویر حضور کودکان و حیوانات توانسته ضمن آشنایی بچه‌ها با

نویسنده از هجوم ملخ‌ها می گوید که همه چیز را نابود کرده‌اند. مردم در مقابل این حمله تنها هستند. حمله‌ای که از آن سوی مرز صورت گرفته و تمام هستی و زندگی مردم را غارت می کند. بخش مهمی از کتاب‌های بایرامی درباره ادبیات دفاع مقدس نوشته شده که در آنها زشتی جنگ نمایان است

ادبیات کودک و نوجوان، سرشار از قصه‌های صلح‌آمیز است. قصه‌هایی که جنگ را به سخره می گیرند و به بچه‌ها یاد می دهند که برای صلح تلاش کنند و سعی کنند جنگ‌ها را به پایان برسانند. کودکان، قهرمانان دنیاهایی هستند که مختصاتش به آنها یاد می دهد جنگ، راه‌حلی غیرانسانی است که نتیجه‌ای جز به وجود آوردن جنگ‌های دیگر ندارد. گاه

این ادبیات از راه نشان دادن زبشتی‌های جنگ سعی می کند، دفاعیه‌ای برای صلح فراهم کند و به کودکان و نوجوانان راه دیگری برای پیشبرد خواسته‌هایشان یاد بدهد. گاهی نیز این ادبیات دنیایی را به تصویر می کشد که بچه‌ها در آن پیام‌وران صلح‌اند و آن را ستایش می کنند.

گزارش پیش‌رو معرفی کتاب‌هایی است که در نگویش جنگ و ستایش صلح برای بچه‌ها نوشته شده‌اند. در میان آنها، هم ادبیات تالیفی کودک و نوجوان و هم ادبیات کشورهای دیگر که در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند، گنجانده شده است. سعی این گزارش بر این است که علاوه بر گفتن از ویژگی‌های این دست از کتاب‌ها، به شیوه‌هایی که نویسندگانشان به کار برده‌اند تا صلح را ترویج کنند، بپردازد. ادبیاتی که با خلق بنیادی فانتزی بچه‌ها را در جایگاه تصمیم‌گیرنده و پایان‌دهنده جنگ قرار

که زیبایی‌های زندگی مسالمت‌آمیز و شاد را نابود می کند، شناسانده می شوند. «هستی» رمانی است که سال ۱۳۸۹ در کانون پرورش فکری منتشر شد. فرهاد حسن‌زاده، نویسنده این رمان نیز در آثارش از جنگ و تبعات آن غافل نبوده است. در رمان هستی شاهد شخصیت‌های متفاوت هستیم. دختری که رفتارهای پسرانه دارد و پدری که از جنگ و دفاع کردن می ترسد. در این کتاب، انسان‌ها همان گونه هستند که در دنیای واقعی می بینیم. آنها ترس‌ها و آندوه‌هایشان را دارند و مثل قهرمان‌های شوریده به دنبال مرگ نمی روند. هستی و خانواده‌اش یک زندگی معمولی در جنوب ایران دارند که در گیر جنگ می شوند. جنگ در این داستان ویرانگر است و خانواده‌ها را چندپاره می کند و خواننده را با سختی‌های آوارگی و مهاجرت به شهری دیگر آشنا می کند.

عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی» نوشته جمشید خانیان داستان بخشی از مردم درگیر جنگ است که کمتر دیده شده‌اند. مردمی که به دنبال فرهنگ و هنر بوده‌اند و جنگ راه زندگی‌شان را عوض کرده، آنها را آواره و از خانه و دبستگی‌هایشان جدا کرد. صحنه جدایی روی داستان از پیاپی، یکی از تاثیرگذارترین بخش‌های داستان است. جایی که او مجبور است دلخوشی‌اش را در جاده راه کند تا جا برای مردمی که او مباران فرار می کنند باز شود

و بتوانند از آتش فرار کنند. در «شاهزاده بی تاج و تخت و زیرزمین»، نوشته علی‌صفر سیدآبادی نگاه صلح‌آمیز پررنگ‌تر است. نوجوان در ابتدای داستان خشمی نسبت به آمریکا می گوید که باعث می شود بخوابد و نفری با دوستانش از زیر زمین به آمریکا برسد. نویسنده این داستان را به‌عنوان خاطره‌ای از دوران نوجوانی برای دخترش تعریف می کند. در جای‌جای داستان و لابه‌لای تعریف ماجراهای این دوست‌وسر نوشت‌شان، نویسنده از نگاه ضدجنگ خود می گوید و به نوعی صلح را ترویج می کند. او در انتها زمانی که برای مأموریتی به آمریکا رفته است در یک تظاهرات ضدجنگ شرکت می کند.

«خلیج» نوشته رابرت وستمن در درک رنج‌های جنگ بر سر مردم بی‌گناه کمی جلوتر می رود و قهرمان داستان که در انگلیس زندگی می کند، طی یک ماجرای عجیب در فضای جنگ قرار می گیرد. اندی پسری است که نیروی شگفت‌انگیز مغزی‌اش به او این اجازه را می دهد که با لطیف، پسری در عراق ارتباط برقرار کند و کمی بعد ارتباطش با دنیای خودش قطع می شود و در وجود لطیف زندگی می کند. او از نزدیک رنج‌های جنگ عراق و کویت را تجربه می کند و این ماجرا تا کشته‌شدن لطیف و پایان جنگ ادامه پیدا می کند.

در رمان هستی شاهد شخصیت‌های متفاوت هستیم. دختری که رفتارهای پسرانه دارد و پدری که از جنگ و دفاع کردن می ترسد. در این کتاب، انسان‌ها همان گونه هستند که در دنیای واقعی می بینیم. آنها ترس‌ها و آندوه‌هایشان را دارند و مثل قهرمان‌های شوریده به دنبال مرگ نمی روند

از نگاه ضدجنگ خود می گوید و به نوعی صلح را ترویج می کند. او در انتها زمانی که برای مأموریتی به آمریکا رفته است در یک تظاهرات ضدجنگ شرکت می کند. «خلیج» نوشته رابرت وستمن در درک رنج‌های جنگ بر سر مردم بی‌گناه کمی جلوتر می رود و قهرمان داستان که در انگلیس زندگی می کند، طی یک ماجرای عجیب در فضای جنگ قرار می گیرد. اندی پسری است که نیروی شگفت‌انگیز مغزی‌اش به او این اجازه را می دهد که با لطیف، پسری در عراق ارتباط برقرار کند و کمی بعد ارتباطش با دنیای خودش قطع می شود و در وجود لطیف زندگی می کند. او از نزدیک رنج‌های جنگ عراق و کویت را تجربه می کند و این ماجرا تا کشته‌شدن لطیف و پایان جنگ ادامه پیدا می کند.

ادامه در صفحه ۱۲

کتابی بردارید اگر می خواهید تفنگی بر زمین نهاده شود



لیلا (رویا) مکتبی فرد پژوهشگر ادبیات کودک و استادیار دانشگاه

گاهی فکر می کنم کاش سیاستمدارهای دنیا به جای این که بروند در جلسه‌های مهم چند ساعته بنشینند و به خیال خودشان مسائل دنیا را حل و فصل کنند، چند وقتی همه چیز را کنار بگذارند و داستان کودک بخوانند. به جای دیدن اخبار، کتاب‌های تصویری ورق بزنند و به جای تنظیم نقطه‌های آتشین، شعر کودکانه از بر کنند. می دانم، خیلی آرمان‌گرایانه است، اما باور کنید خیلی چیزها عوض می شد!

بچه‌ها هفت‌تیرهایشان چوبی است، شمشیرهایشان پلاستیکی؛ و فقط توی بازی‌هایشان دزد دریایی می‌شوند. قهرهایشان به دقیقه و ساعت نمی کشد و تا وقتی مدرسه نرفته‌اند و جغرافی نخوانده‌اند و مرز و محدوده برایشان بی‌معناست. بچه‌ها با قصه‌هایی که ما برایشان تعریف می‌کنیم، عشق‌ها را، ترس‌ها را، پشتکار را، خوبی و بدی را و... می‌شناسند. هر شب وقتی چشم‌های می‌گازدشان را بر هم می‌گازدند خوشحالند که پسر پادشاه به دل‌داده‌اش رسید، طلسم شاهزاده خانم باطل شد، سنگول و منگول از توی شکم گرگ درآمدند و دروغ و خیانت کنیز قصه سنگ‌صویر آشکار شد. در جهان قصه‌ها کمابیش عدالت برقرار است. شعر، داستان و تصویر به‌عنوان ۳ جزء اصلی ادبیات کودکان زبان مشترک همه کودکان دنیاست. چه بسا نه فقط کودکان که همه آدم‌های دنیا این عناصر رمز نمی‌شناسند. از زبانی به زبان دیگر حرکت می‌کنند، گاهی هم رنگ و روی همان زبان و فرهنگ را می‌گیرند بی‌آن که چهره میزبان پیشین‌را مخدوش کنند.

وقتی هنوز بسیاری از شاهکارهای ادبیات جهان خلق نشده بودند، این افسانه‌ها بودند که زبان به زبان و سینه به سینه می‌چرخیدند و در ناخودآگاه بشری جای می‌گرفتند. در افسانه‌ها و قصه‌های کودکان کمتر پادشاهی مقابل پادشاهی دیگر صف‌آرایی می‌کند، اما شاهزاده‌های زیادی عاشق می‌شوند و برای رسیدن به عشق‌شان کفش آهنین به پامی کنند

چطور شرایطی برایشان فراهم کنیم که با این ادبیات خو بگیرند و رویاهای کودکانه‌شان را در دنیای قصه‌ها، شعرها و تصاویر به پرواز در آورند. اما افسوس که روز به روز چه بیشتر از صلح می‌گوییم و بدان می‌پردازیم، سهم کودکان جهان از آن کمتر و کمتر می‌شود. این روزها سهم بخشی از کودکان دنیا نه قصه و شعر و تصاویر رنگارنگ که تنها مرگ، آوارگی و گرسنگی است. نمی‌دانم وقتی کودکی کسی بدون افسانه‌های مادرانه، بدون کتاب‌های شعر و قصه و خالی از هر رنگ و تصویری سیری می‌شود، او در آینده چطور آدمی خواهد شد؟ بزرگسالی که پرچم خشونت را در باغچه کودکی نسل بعدی افراشته می‌کند یا قربانی ضعیفی که تا پایان عمر سایه ترس و خشونت کودکی‌اش را پشت سرش حس خواهد کرد؟ هیچ‌کدام آینده قشنگی را تصویر نمی‌کنند.

کاش سهم کودکان دنیا از صلح فقط در قصه‌ها و افسانه‌ها نباشد و کاش آنها که به جنگ می‌اندیشند، به قصه زندگی این بچه‌ها فکر کنند و به این‌که آیا روی آن دارند کودکانی که غم نان است و گرسنگی؛ و برای کودکانی که به جای کتاب، سلاح به دست‌شان می‌دهند.

کاش سهم کودکان دنیا از صلح فقط در قصه‌ها و افسانه‌ها نباشد و کاش آنها که به جنگ می‌اندیشند، به قصه زندگی این بچه‌ها فکر کنند و به این‌که آیا روی آن دارند کودکانی که غم نان است و گرسنگی؛ و برای کودکانی که به جای کتاب، سلاح به دست‌شان می‌دهند.

کاش سهم کودکان دنیا از صلح فقط در قصه‌ها و افسانه‌ها نباشد و کاش آنها که به جنگ می‌اندیشند، به قصه زندگی این بچه‌ها فکر کنند و به این‌که آیا روی آن دارند کودکانی که غم نان است و گرسنگی؛ و برای کودکانی که به جای کتاب، سلاح به دست‌شان می‌دهند.

خودشان وقت خواب تعریف کنند؟

ادامه از صفحه ۹

در باب صلح و ادبیات کودک

ما به کودکانمان برسشگری و استدلال منطقی آموزش نمی‌دهیم. به آنها شنیدن و شناسایی‌شان را هم آموزش نمی‌دهیم. این ضعف بزرگ نظام آموزشی و اجتماعی، کار ادبیات کودکان و پدیدآورندگان آن را صدها بار دشوارتر کرده است. وظیفه‌ای سنگین برای از بین بردن تمام ویرانی‌هایی که طی سال‌ها در رگ و پی کودکان این مرز و بوم ریشه دوانده، امری دشوار است و نیاز به همتی جمعی دارد. صلح را قطعا می‌توان از کودکی آموزش داد، با همکاری و رشد نهادهای مدنی فعال در زمینه حقوق کودک و فرهنگ صلح، با تولید ادبیات به‌دور از خشونت و قشری‌گری، با تولید تصاویری به‌دور از اهانت و تبعیض، ورود معلولین، اقوام و دیگران به دنیای ادبیات کودکان ایران، با ترجمه آثاری ارزشمند و ادبی که روش‌های مقابله با قلدری و خشونت را پیش‌روی مخاطب جوان بگذارند، با شکل‌گیری جوایز ادبی در حوزه ترویج مدارا و صلح، با گسترش فرهنگ گفت‌وگو و کار گروهی، با تشویق عدالت‌خواهی و ایستادن در برابر ظلم، با گسترش معرفی اجزای فرهنگ صلح یعنی احترام به رنگ پوست، زبان،

لپچه، پوشش، آیین، آداب، توانمندی‌ها و تفاوت‌ها در سطح جامعه، با نقی جنگ و کشتار، با گسترش آگاهی و سواد عمومی، با ایجاد فرصت‌های برابر و البته از همه مهم‌تر با گسترش فرهنگ مهرورزی، صلح را می‌توان از کودکی آموخت. با قدم‌هایی کوچک، با خواندن کتاب‌هایی چون تیس‌تو سیز انگشتی، مومو، سزاده کوچولو، سادا کوهرار درنای کاغذی، چگونه می‌توان بال شکسته‌ای را درمان کرد، مهمان‌های ناخوانده، خمره داد، کتاب‌های پیام‌آور صلح‌اند، شاید با همت ما دست‌اندرکاران ادبیات کودک آینده خاورمیانه به از امروزش باشد.

۱- صلح را باید از کودکی آموخت عنوان دو مجموعه مصاحبه است با بزرگان ادبیات کودک و فعالان حقوق کودک (توران میرهادی، نوش آفرین انصاری، ناصر یوسفی، مریم احمدی و...) که به گوشش پرچهره‌نسرین بی در موسسه پژوهشی کودکان دنیا به چاپ رسیده است.